

دیوان بیدل بخت او

نزد کتابدار کتابخانه پوهنتون کراچی بسا نسخ خطی دیده ام که در اوقات تقسیم هند و پاکستان از هند به پاکستان آمده و کتب خطی خود را هم بدینجا انتقال داده بود.

وی یکی از مؤلفان زبان اردو و شخص کتاب شناس است که اکثر کتابها را از کتب خانه نواب امیر خان افغان مؤسس ریاست تونک هند جنوبی (معاصر احمدشاه بابا و تیمورشاه) بدست آورده که از جمله دو دیوان بسیار نادر و کمیاب پبنتو سروده مسری خان گگیانی و مغزالله مهمند را قبلاً ازو برای اکادیمی پبنتوی پشاور خریده اند که از روی آن بچاپ رسیده است.

دیوان میرزا عبدالقادر بیدل هم یکی ازین نسخ است، که در همان کتابخانه محفوظ بود، و کتابدار موصوف آنرا با خود بکراچی آورد و تا حدود ۱۳۴۲ ش هم در ملک او بود.

خط این نسخه نیمه شکسته خوب و اکثر آن غیر منقوست که شخصی نا آشنا با سبک بیدل آنرا بزحمت تواند خواند.

بر روق اول صفحه الف آن نوشته ها و مواهیر ذیل دارد :

"۱" مسوده دیوان قدیم و جدید

فقیر بیدل

یا دآوری : سطر اول بخت متن معلوم می شود ولی جای

کلمات "فقیر بیدل" قدری سیاه است و از آن معلوم می شود که

عبارتی را محو کرده و بجای آن این کلمات را نوشته اند. بنا بران کلمات "فقیر بیدل" قدری مشکوک بنظر می آید.

"۲" دیوان مسوده خاص بقلم مصنف خریدده معرفت دیوان ۱۲۵ داخل شد ۱۲۷۹. مهر رای همت ۱۹ ربیع الاول ۱۱۲۳ سنه ۵ این مهر بعصر حیات بیدل تعلق دارد.

"۳" دیوان میرزا بیدل گذرانیده شد محمد برهانعلی خان، مقدمه شهر رمضان ۱۲۰۶.

"۴" غرض مکرر دیده شده. مهر مهاراجه مکیت رای، ۱۲۰۳. "درینجا بقول مالک کتاب مهر کتب خان تونک بوده که بریده شده." "۵" کلیات دیوان میرزا بیدل. بقلم خاص مصنف. "دو مهر محمدشاه پادشاه غازی"

این مهر ها سنه ندارد و محمد شاه بن خجسته اختر از ۱۱۳۱ تا ۱۱۶۱ شاه دهلی بود که بیدل سه سال شاهی او را درک کرده است.

این مطالب بر صفحه الف ورق اول نوشته شده است. که بر صفحه ب ورق دوم آن مقدمه منشور است و به بسمله آغاز گردیده، که در سطر بعد آن "لراقمه" بخط قرمز دارد و بعد از آن گوید:

"حمد مبدعی که تردد انفاس اعیان کیف و کم، موقوف تحریکیست از سرانگشت ارادت او..."

هر صفحه این کتاب ۱۵ سطر وجداول طلائی دارد و برحاشیه اول هر صفحه ۱۴ بیت نوشته شده، که همه این حصه دیوان خط شکست بی نقطه و تا آخر بیک سلیقه است و در آخر آن بهمین خط نوشته شده: "دهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۰۸ یکهزار و یکصد وهشت هجرت نبی صلی الله علیه وآله در بلده شاهجهان آباد به تحریر انجامید. الحمدلله." در تمام متن کتاب فقط همین تاریخ موجود است ولی ذکری و اشارتی نیست که نویسنده متن خود بیدل

باشد. مقدمه منشور کتاب ۸ صفحه است، و دیوان غزل ۸۴۶ صفحه دارد، که در آخر آن دوازده صفحه بخط خفی شکست نقطه دارد (برخلاف دیوان غزل) اضافاتی از اشعار متفرقه دارد، که تمام صفحات این مجموعه (۸۶۶) است.

کاغذ کتاب خیل خوب و لک کشمیری خاکی است و تمام صفحات و اوراق دیوان بحالت خوب مانده، کلمات و الفاظ آن خراب و ضایع نشده، که تعداد اشعار آن قرار ذیل است:

دیوان غزل و قصاید و رباعیات ۲۲۸۴۲ بیت

در آخر دیوان حصه اضافی متفرقات ۲۹۶ بیت.

اضافه تر بر حاشیه ثانوی بخط متن منقوط و غیر منقوط شکست ۲۷۶۶ بیت.

مجموعه کل ابیات دیوان ۲۶۴۰۴ بیت است. از غزل و قصیده و رباعی و متفرقات.

چنین به نظر می آید که بعد از ۱۱۰۸ ق که متن دیوان نوشته شده همین ۲۵۶۲ بیت حاشیه ثانوی بر اصل افزوده شده است و غالباً نویسنده آن نهمان نویسنده متن بوده است.

این نسخه با خصایص مذکور مخطوطه معتبر کتابخانه شاهی دهلی بنظر می آید، ولی در متن اشاره یی به کتابت خود بیدل ندارد، فقط بر عنوان مقدمه بخط سرخ (لراقمه) موجود است. و بر ورق اول آن از طرف مالکان متعدد آن نوشته شده که بقلم مصنف یعنی بیدل باشد.

ولی این دعوی تنها کفایت نمیکند که ما این نسخه را بخط خود بیدل بشماریم تا وقتیکه یک قرینه خارجی و برهانی دیگر بر آن موجود نباشد.

تا جائیکه نویسنده این سطور اصل خط بیدل را در لاهور وهم پیش مرحوم گویا اعتمادی دیده بودم، ظاهراً شباهتی بین آن و

این موجود است و ما میدانیم که بیدل در حیات خود مجموعه اشعار خود را فراهم آورده و بخط خود نوشته بود، که بشهادت نواب درگاه قلی خان معاصر بیدل این دیوان بخط خود وی در دهلی کهنه در عرس بیدل خوانده می شد (بنگرید کتاب مرقع دهلی ص ۱۰) ولی اگر این کتاب بخط خود بیدل ثابت آید، همان نسخه عرس بیدل نخواهد بود، زیرا این دیوان در اوقات وفات بیدل ۱۱۳۳ ق مربوط به کتب خان شاهی محمدشاه بود، و امکان ندارد، که در دسترس عرس خوانان مزار وی افتاده باشد، و هم برین دیوان همان رباعی بیدل که صاحب مرقع دهلی ذکر کرده و بر دیوان عرس خوانان مزار بیدل نوشته شده بود، دیده نمیشود.

بهر صورت این نسخه برای شیفتگان آثار ابوالمعانی بیدل مغتنم است، و مقابله آن با آثار چاپ شده وی در کابل و تاشکند و بمبئی در طبع انتقادی سودمند خواهد بود، و من این یاد داشت را برای آن بطبع می سپارم، تا بیدل دوستان ملتفت گردند و اگر کسی بر احوال و افکار پدر معانی (بیدل) کار انتقادی مطابق معایر امروزه علمی میکند، این نسخه را فراموش ننماید.